

بررسی تأثیر مطالبات غیرجاری بر خلق نقدینگی بانک های منتخب طی دوره ۹۷-۱۳۸۹

حسن فرازمند^۱

فاطمه رضازاده کارسالاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱

چکیده

اهمیت مطالبات معوق و سررسید شده بانک ها در حدی است که مطالعات زیادی توسط موسسات بین المللی از جمله صندوق بین المللی پول صورت گرفته که محور آن تعیین روش ها و شیوه هایی است که توسط آن مطالبات معوق نظام بانکی در هر کشور به نحوی در حساب های ملی آن کشور منعکس شود. هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی تأثیر مطالبات غیرجاری بر خلق نقدینگی بانک های کشور می باشد. در این پژوهش به محاسبه شاخص خلق نقدینگی در نظام بانکی و با تأکید بر ساختار ترازنامه شبکه بانکی کشور، برای ۱۴ بانک، طی بازه زمانی ۹۷-۱۳۸۹ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته پرداخته شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد بین مطالبات غیرجاری و خلق نقدینگی بانک رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. در واقع می توانیم نتیجه بگیریم که اگر خلق نقدینگی در پاسخ به افزایش بالاتر مطالبات غیرجاری، افزایش یابد؛ در بانک ها خطر اخلاقی وجود دارد. نسبت حقوق صاحبان سهام و اندازه بانک نیز رابطه مستقیمی با خلق نقدینگی بانک دارند.

طبقه بندی JEL : G00، G21، G29، C23.

واژه های کلیدی: خلق نقدینگی، مطالبات غیرجاری، نسبت حقوق صاحبان سهام، اندازه بانک.

1. دانش یار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، آدرس ایمیل: hfarazmand@scu.ac.ir
2. دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)، آدرس ایمیل: Fateme.rezazadeh68@yahoo.com

مقدمه

صنعت بانکداری، از بخش‌های مهم و اساسی اقتصاد و بسترساز اصلی رشد و پویایی سیستم مالی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی است. تحرک واقعی سیستم مالی است که زمینه و امکان رشد و توسعه سایر بخش‌های اقتصادی و بخش واقعی اقتصاد را فراهم می‌آورد. بانک‌ها، واسطه مالی بین سپرده‌گذاران و متقاضیان تسهیلات بوده و با استفاده از منابع خود و سپرده‌های مردم مبادرت به اعطای تسهیلات می‌کنند. بانک‌ها با در اختیار داشتن بخش عمده‌ای از نقدینگی جامعه، نقش بسیار حساس و مهمی در نظام اقتصادی ایفا کرده و در تنظیم روابط و مناسبات اقتصادی جامعه، تأثیر بسزایی دارند. موضوع سپرده، اصلی‌ترین و از مهمترین عامل وجودی بانک به شمار می‌رود. به سهولت می‌توان مدعی شد که توسعه بانک در درجه اول، بستگی به افزایش حجم سپرده‌های آن دارد. تسهیلات اعطایی بانک‌ها از محل این سپرده‌ها تأمین می‌شود و اگر بازگشت تسهیلاتی اعطایی بانک‌ها با مشکل مواجه شود، کارکرد سیستم بانک نیز مختل می‌گردد (آقایی و رضاقلی زاده، ۱۳۹۵). در واقع این تسهیلات یا همان وام‌های سررسید گذشته^۱، وام‌هایی هستند که به دلیل تأثیرات نامطلوب آن‌ها بر اقتصاد به عنوان آلودگی مالی محسوب می‌شوند (عمر و گانگ سان، ۲۰۱۶).

بانک‌ها مشابه بنگاه‌های تولیدی اقتصادی هستند و با بهره‌گیری از نهاده‌های تولیدی (سرمایه اولیه، سرمایه ثابت و سپرده‌های مردم) به تولید خدماتی، چون اعطای وام و تسهیلات بانکی و تخصیص اعتبار، اهتمام می‌ورزند. بنابراین، بانک‌ها در راستای فعالیت اقتصادی با در نظر گرفتن اصل امنیت سرمایه‌ها و سپرده‌ها، ترتیبی را اتخاذ می‌نمایند تا اصل و سود تسهیلات اعطایی به مشتریان را برگردانند اما به دلایلی چون عدم اصلاح ساختار مالی و پولی اقتصاد، تخصیص نامطلوب منابع و دخالت بیش از اندازه دولت در اقتصاد، انتقال ناکارایی پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری، نظام ناکارآمد تصمیم‌گیری و اداری، باعث عدم ثبات مالی و برگشت سرمایه‌ها گشته است و هر از چند گاهی، بانک‌ها برای وصول مطالبات و برگشت سرمایه‌ها با مشکلاتی روبه‌رو ساخته است. از این رو، بانک‌ها همواره با مشکل اعتبارات بازپرداخت نشده رو به رو هستند که در سیستم بانکی از آن به عنوان مطالبات معوق و سررسید گذشته، یاد می‌شود. معوق شدن مطالبات بانکی زیان‌های فراوانی از جمله بلوکه شدن بخش اعظمی از منابع بانکی، کاهش دفعات گردش مطالبات و افزایش دوره وصول مطالبات، کاهش توانایی پاسخگویی (ارائه خدمات) به مشتریان، افزایش ریسک اعتباری بانکی، اتلاف وقت و منابع واحدهای ذیربط بانکی برای وصول مطالبات و افزایش هزینه‌های بانک برای سیستم بانکی را خواهد داشت (زنگ^۲، ۲۰۱۲).

1. Non-performing loans (NPLs)
2. Zeng

مبانی نظری

نظام بانکی وظیفه تجمیع پس اندازها، تخصیص منابع و تامین مالی اقتصاد جهت تحقق رشد اقتصادی را بر عهده دارد. در راستای عمل به این وظیفه، ریسک های مختلفی نظام بانکی را تهدید می کند. یکی از مهم ترین این ریسک ها، ریسک اعتباری است که منجر به پیدایش مطالبات غیر جاری می شود.

ریسک اعتباری به معنی احتمال عدم پرداخت اصل و سود تسهیلات اعطایی توسط گیرنده اعتبار به علت عدم تمایل و یا ناتوانی مالی است. به زبان ساده تعریف ریسک اعتباری در احتمال قصور وام گیرنده یا طرف مقابل بانک نسبت به انجام تعهداتش، طبق شرایط توافق شده، تبیین می شود.

مطالبات غیر جاری^۱، وام هایی هستند که به دلیل تأثیرات نامطلوب آنها بر اقتصاد به عنوان آلودگی مالی محسوب می شوند (عمر و گانگ سان، ۲۰۱۶). بالا رفتن نسبت مطالبات غیر جاری از حد نرمال جهانی، علاوه بر ایجاد اختلال در انجام وظیفه نظام بانکی، تبعات گسترده ای برای اقتصاد کلان و سایر نهادها به همراه دارد. سازمان های بین المللی مالی نیز این وام ها را بیان مختلفی تعریف کرده اند، به طور مثال بانک تسویه بین المللی^۲ در سال ۲۰۰۶ اینگونه تعریف می کند که "در ارتباط با متعهدی خاص پیش فرضی در نظر گرفته شده و این است که زمانی که بیش از ۹۰ روز از هر تعهد اعتباری مادی نسبت به بانک گذشته باشد، به عنوان بدهکار به حساب می آید". اما در شبکه بانکی کشورمان مطالباتی که بیش از ۲ ماه از سررسید آنها گذشته باشد را بعنوان مطالبات غیر جاری معرفی می کنند که با توجه به اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی ایران (۱۳۸۵) خود این مطالبات به چهار طبقه مطالبات سررسید گذشته، معوق، مشکوک الوصول و مطالبات سوخت شده تقسیم می شود.

به خوبی می دانیم، هدف بانک ها از اعطای تسهیلات سودآوری است. مطالبات غیر جاری، در واقع مطالباتی است که به موقع بازپرداخت نمی شود. این عدم بازپرداخت از چند منظر سودآوری بانک را تهدید می کند:

- (۱) درآمدهای پیش بینی شده در موعد مقرر حاصل نشده و بانک با مشکل تحقق درآمدی مواجه می شود.
- (۲) مدیریت نقدینگی بانک با اختلال مواجه شده و در شرایطی ممکن است بانک مجبور به تامین مالی با نرخ های بالا شده و یا موجب منفی شدن حساب جاری بانک نزد بانک مرکزی و اجبار به پرداخت جرایم متعلقه شود که از این منظر نیز سودآوری بانک تحت تأثیر قرار می گیرد.
- (۳) طبق استانداردهای حسابداری بانکی، بانک موظف است که برای مطالبات غیر جاری ذخیره در حسابها منظور نماید و این امر سهامداران را از دسترسی به سودهای بانک محروم می نماید.

۴) هرچه حجم مطالبات غیرجاری بیشتر باشد، حجم مطالبات سوخت شده نیز بیشتر خواهد بود. همانطور که مشخص است مطالبات سوخت شده، زیان بانک است که اگر حجم آن بسیار زیاد شود، می‌تواند به ورشکستگی بانک نیز بی‌انجامد. اما از منظر اقتصادی، تسهیلات بانکی موتور محرک اقتصاد است و بانک‌ها همچون قلب، منابع مالی را در شریان‌های اقتصاد به گردش در می‌آورند. مطالبات غیرجاری، نشان از تخصیص نامناسب منابع بانکی و وجود حجم بالای مطالبات غیرجاری نشان از وجود مشکل در تخصیص بهینه منابع و یا به عبارت بهتر تخصیص منابع پولی به اهداف غیرسودآور و غیرارزش آفرین در اقتصاد است. بدیهی است وقتی حجم این‌گونه مطالبات در جامعه‌ای بالا باشد، رشد اقتصاد کشور با تهدید مواجه خواهد شد. از سوی دیگر افزایش مطالبات غیرجاری حیات بانک‌ها و سیستم بانکی را تهدید می‌کند که به نوبه خود حیات اقتصادی را تهدید خواهد نمود. بنابراین ناظران پولی، مقام‌های اقتصادی و سهامداران بانک‌ها، نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات بانک‌ها را زیر نظر داشته و در صورت افزایش آن، واکنش نشان خواهند داد (نظافت، ۱۳۹۴). از یک منظر جامع، دلایل شکل‌گیری مطالبات معوق را می‌توان به علل اقتصادی، علل سیاسی و فرهنگی و علل خارج از نظارت سیستم بانکی تقسیم کرد. اما از منظر جزئی‌تر، عواملی که در شکل‌گیری مطالبات معوق در بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری تأثیرگذارند، در دو بعد درون سازمانی و برون سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

عوامل درون سازمانی ریشه در خط‌مشی‌ها، سیاست‌های اعتباری، دستورالعمل‌ها، نظامات کنترل ریسک و اعتبارسنجی، کیفیت عملکرد کارشناسان بانکی و فرآیندهای عملیاتی دارد، اما کنترل‌شان در اختیار مدیران سازمان می‌باشد و امکان مدیریت این عوامل با شناسایی و برطرف نمودن نقاط ضعف و اقدامات اصلاحی در فرآیندها و رویه‌ها میسر می‌باشد. عوامل برون سازمانی نیز کنترل‌شان از اختیار مدیران سازمان خارج است و مربوط به شرایط و محیط اقتصاد کلان می‌باشد (حسن زاده و حبیبی، ۱۳۸۹).

به جرأت می‌توان گفت تصمیم‌گیری‌ها و قوانین و رویه‌های اجرایی دولت، مجلس، قوه قضاییه و تمامی سازمان‌ها و نهادهایی که به هر دلیلی با نظام بانکی سر و کار دارند، می‌توانند به عنوان عوامل برون سازمانی در شکل‌گیری مطالبات معوق بانکی تأثیرگذار باشند که بخشی از آنها عبارتند از: تفاوت نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی و نرخ بهره بازار، تفاوت نرخ تورم و نرخ سود بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، تغییرات نرخ ارز و بحران‌های اقتصادی حاکم بر جهان، ساختار اقتصاد دولتی و نگاه دستوری به بخش اعتباری، عدم ثبات سیاست‌های مالی و پولی و تغییرات مکرر قوانین و مقررات (حسن زاده و حبیبی، ۱۳۸۹).

گرفتن سپرده‌های کوتاه مدت و دادن وام بلندمدت، پایه تجارت در بانک‌ها به حساب می‌آید. درجه بالای

نقدینگی معمولاً با سطوح بالای اهرم در ارتباط است (سلنتی، ۲۰۰۱). اعطای وام به مشتریان نیاز به نقدینگی بالایی دارد و تامین مالی برای آن ها هم پایداری را کاهش می دهد. این موضوع در شرایط عادی تجاری مقوله ای حل شدنی است، زیرا بازارها در شرایطی هستند که این تامین مالی امکان پذیر است، اما در شرایط بحران نقدینگی، بازار پول یا سرمایه در وضع خوبی قرار ندارند و تهیه منابع مورد نیاز برای وام ها ممکن نیست. از طرف دیگر، وجوه خریداری شده بانک به سررسید خود می رسند و بانک مجبور است برای آن ها نیز تامین مالی کند (گآی و همکاران، ۲۰۰۷). در کنار این مسایل ممکن است مهلت وام های بانک به سر برسد، ولی از سوی وام گیرندگان بازپرداخت نشود و به همین دلیل میزان وام های بد رو به افزایش می گذارد (هیگسون و تورنر، ۱۹۹۶).

این موضوع را می توان به طریق دیگری هم بیان کرد: در صورتی که نتیجه گردش جریان های وجه نقد ورودی و خروجی مثبت باشد، مشکل کمبود نقدینگی وجود نخواهد داشت اما چنانچه نتیجه جریان های وجه نقد منفی باشد، در آن صورت بانک با کسری نقدینگی مواجه می گردد (دارمین و بیسادا، ۱۳۸۵). به همین دلیل است که گفته می شود در شرایط بحران در بازار پول یا سرمایه، نقدینگی بانک زیان می بیند و درصد بالایی از بانک ها با عدم پرداخت دیون مواجه می شوند. شوک های بازار بانک ها را مجبور می کند تا برای حفظ بقایشان را به قیمت های حراج بفروشند، که این خود همانند وارد آمدن شوک دیگری به بازارهای پولی و سرمایه است (هازلی و همکاران، ۲۰۰۸).

تصور اینکه بانک ها نقدینگی ایجاد می کنند به تحقیقات بریانت^۱ (۱۹۸۰) و دیاموند و دیویگ^۲ (۱۹۸۳) برمی گردد. با توجه به این مطالعات، بانک ها از طریق ترازنامه و به وسیله دارایی های نسبتاً غیر نقد با بدهی های نسبتاً نقد، نقدینگی ایجاد می کنند. مطالعات دیگری همچون هالمستروم و تیرول^۳ (۱۹۹۸) نیز نشان می دهد که نقدینگی به واسطه فعالیت های خارج از ترازنامه از طرف بانک ها ایجاد می شود و کاشیاپ و همکاران^۴ (۲۰۰۲) پیشنهاد کردند که بانک ها در صورت نیاز به نقدینگی برای انجام تعهداتشان در قبال مشتریان به خلق نقدینگی از طریق اقلام پایین خط ترازنامه بپردازند.

مطالعات دیگری نیز نقش بانک ها را به عنوان تغییر شکل دهنده ریسک بررسی کردند. با توجه به مطالعات دیاموند^۵ (۱۹۸۴) و بوید و پرسکات^۶ (۱۹۸۶)، بانک ها به واسطه گرفتن سپرده های بدون ریسک و دادن وام

1. Bryant

2. Diamond & Dybvig

3. Holmstrom B, Tirole J

4. Kashyap et al.

5. Diamond, D.W.

6. Boyd, J.H., Prescott, E.

های پرریسک به تغییر شکل ریسک می‌پردازند. بنابراین در نقش بانک‌ها به عنوان خالق نقدینگی و تغییر شکل دهنده ریسک شباهت‌های بسیاری وجود دارد.

آنچه باید بدان توجه داشت، این است که در هر نظام مالی، بانک‌ها واسطه وجوه بوده و سپرده‌های با سرسیدهای کوتاه مدت را به تسهیلات با سررسیدهای بلندمدت تبدیل می‌نمایند و به همین دلیل ترازنامه آنها معمولاً دچار عدم تطابق سررسیدها است. از سوی دیگر، برخی بانک‌ها به دلیل عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قادر به وصول مطالبات خود نبوده و از این جهت یک نوع انعطاف ناپذیری در سمت دارایی‌های بانک‌ها به وجود می‌آید. هر چه عدم وصول تسهیلات اعطایی افزایش یافته و گستردگی مطالبات غیرجاری بیشتر شود، شکنندگی و آسیب‌پذیری آنها نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین، سیستم‌های مالی و اعتباری به دلیل فعالیت‌های واسطه‌گری به طور ذاتی آسیب‌پذیر بوده و یکی از عوامل آسیب‌پذیری آنها - به ویژه در بحران‌های مالی - ناشی از طبیعت واسطه‌گری است (نیلی و همکاران، ۱۳۹۴).

در واقع، یکی از دلایل اصلی وجود بانک‌ها این است که آنها باعث ایجاد نقدینگی شده و ریسک اعتباری را به حالت دیگری تبدیل می‌کنند. بانک‌ها با فعالیت‌هایی مانند وام‌دهی به تجارت‌ها و افراد به واسطه میزان سرمایه‌گذاری آنها در حساب خود، بر روی ترازنامه، نقدینگی ایجاد می‌کنند. بانک‌ها همچنین با فعالیت‌هایی نظیر ارائه تعهدات وام باعث ایجاد نقدینگی از روی ترازنامه می‌شوند. سیاست‌های پولی معمولاً در دوره رکود به منظور مشخص کردن کمبود نقدینگی و همچنین تحریک وضعیت اقتصادی، کمی‌بازتر می‌شوند. البته میزان اثربخشی سیاست‌های پولی بستگی به نحوه اثربخشی نقدینگی بانک‌ها دارد (گادفری، ۲۰۱۵).

البته در این بین باید به خطر اخلاقی نیز توجه داشت. خطر اخلاقی زمانی که یک طرف در معرض ریسک بیشتری قرار می‌گیرد، رخ می‌دهد زیرا تحمل عواقب آن بر عهده شخص دیگری خواهد بود. خطر اخلاقی پدیده‌ای است که به طور مستقیم قابل مشاهده نمی‌باشد ولی توسط رفتارهای دیگری تشخیص داده می‌شود و آن در مورد بانک‌ها، ریسک‌پذیری بیشتر آن‌ها در وام‌دهی می‌باشد.

گرین بام و تاکور^۱ (۲۰۰۷) در مطالعه خود بیان کردند که بانک‌ها وجوهی را توسط ترکیبی از سپرده‌ها و سرمایه‌عرضه شده از سوی سهامداران وام می‌دهند. بانک‌ها خلق نقدینگی را از طریق تغییر شکل دادن دارایی‌های با کیفیت انجام می‌دهند. حالتی را در نظر بگیرید که هیچ بانکی وجود نداشته باشد؛ در دنیای بدون بانک پس انداز کنندگان به صورت مستقیم تامین مالی وجوه بنگاه‌ها را انجام نمی‌دهند و آنها در پایان با بدهی‌های

غیرنقدی روبه‌رو می‌شوند. در مقابل، در دنیایی که بانک وجود دارد بانک‌ها وام‌های بلندمدت برای بنگاه‌ها فراهم می‌کنند و بانک‌ها می‌توانند از پس‌انداز کنندگانتقاضای سپرده داشته باشند. بنابراین، بانک‌ها بدهی‌های غیرنقد را در مقابل بدهی‌های نقد پس‌انداز کنندگان قرار می‌دهند. به علت اختلاف نقدینگی بین آنچه بانک‌ها با پول سپرده‌گذاران انجام می‌دهند و راه‌هایی که تامین مالی برای فعالیت‌های بنگاه‌ها را پیدا می‌کنند، خلق نقدینگی ایجاد می‌شود. بر اساس این نظریه، آنچه اهمیت دارد تغییر سررسید است (به‌تایید و تاکور^۱، ۱۹۹۳).

در دیدگاه بریانت^۲ (۱۹۸۰) و دیاموند و دایویگ^۳ (۱۹۸۳) سپرده‌گذاران می‌توانند شوک‌های نقدینگی را تحمل کرده و با نگه داشتن سپرده‌های خود در بانک‌ها رفاه خود را افزایش دهند. بر اساس نظر دیاموند و دایویگ (۱۹۸۳)، خلق نقدینگی برای بانک‌ها ریسک ایجاد می‌کنند. بانک‌ها با تکیه بر سپرده‌های مردم اقدام به خلق نقدینگی می‌کنند و اگر این سپرده‌ها از بانک‌ها خارج شوند بانک‌ها دچار بحران بانکی می‌شوند و ریسک بانک‌ها افزایش می‌یابد. برای جلوگیری از چنین مشکلی، صندوق بیمه سپرده‌ها ایجاد می‌شود و بانک‌ها درصدی از سپرده‌های خود را به صورت ذخیره در آن صندوق قرار می‌دهند. البته با وجود بیمه سپرده‌ها، اگرچه از احتمال بحران بانکی و هجوم بانکی جلوگیری می‌شود، ولی بانک‌ها نیاز بیشتری به نقدینگی جهت مواجهه با نیازهای نقدینگی سپرده‌گذاران خود دارند.

در دیدگاه کاشیاپ، راجان و استین^۴ (۲۰۰۲) سپرده‌گیری و اعطای وام توسط بانک‌ها به عنوان نقش بانک‌ها در اقتصاد تاکید شده است. آنها بر امکان خلق نقدینگی از طریق اقلام زیرخط ترازنامه برای بانک‌ها تاکید نموده‌اند. بانک‌ها با تقاضای نقدینگی از سوی سپرده‌گذاران روبه‌رو بوده و از سوی دیگر، مشتریانی نیز خریدار وام‌های بلندمدت بانک‌ها هستند. بنابراین، در استخراج دارایی‌های نقد، بانک‌ها به دنبال برآورده کردن نیازهای قرض‌گیرندگان خود هستند. ایجاد تعادل در وضعیت خلق نقدینگی بانک‌ها مورد تاکید آنها در این مطالعه بوده و آنها بیان می‌کنند که بانک‌ها توسط هم‌افزایی بین وام و سپرده و نگهداری دارایی‌های نقد، نقدینگی ایجاد می‌کنند.

دیپ و شیفر^۵ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای تبدیل نقدینگی را با توجه به سررسید وام و سپرده مورد بررسی قرار دادند و شاخصی را برای اندازه‌گیری آن با عنوان شاخص شکاف تبدیل نقدینگی معرفی نموده‌اند. این شاخص از

-
1. Bhattacharya & Thakor
 2. Bryant
 3. Diamond & Dybvig
 4. Kashyap, Rajan & Stein
 5. Deep & Schaefer

اختلاف میان بدهی‌های نقد و دارایی‌های نقد تقسیم بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید. بنابراین، شاخص شکاف تبدیل نقدینگی نشان دهنده میزان سپرده‌هایی است که به دارایی‌های غیرنقد تبدیل شده‌اند. بر اساس مطالعه دیپ و شیفر، دارایی نقد به عنوان مجموع نقد، اوراق بهادار دولتی و غیردولتی و ابزارهای مالی سپرده گذاری، سایر وام‌های پرداختی به بانک‌ها با سررسید کمتر از یک سال هستند. ارزش این نسبت از مثبت یک تا منفی یک است. مثبت یک نشان دهنده آن است که تمام سپرده‌های بانک به دارایی غیرنقد تبدیل شده‌اند. به بیان دیگر، تامین مالی از طریق سپرده‌ها صورت گرفته است. در این حالت، بانک به تبدیل سپرده‌های خود با سررسید بلندمدت به دارایی‌های خود پرداخته که در این حالت بانک عملکرد مناسبی داشته است. شاخص شکاف تبدیل نقدینگی صفر نشان می‌دهد که بانک دارایی‌های نقد را با استفاده از سپرده به وجود آورده، اما از نظر سررسید خوب عمل نکرده است. در حالت منفی بودن این شاخص، بانک دارایی‌های نقد بیشتری را نسبت به سپرده‌ها نگهداری می‌کند که این منبع تامین مالی اضافی را به موجب نگهداری دارایی برای بانک ایجاد می‌کند.

شاخص شکاف تبدیل نقدینگی بر اساس عملکرد بانک طبق سررسیدها محاسبه می‌شود اما برگر و بوعمن (۲۰۰۹) مقدار نقدینگی را که واقعا ایجاد شده است را اندازه‌گیری می‌کنند. شاخص خلق نقدینگی برگر و بوعمن نه تنها نقدینگی را از سپرده‌ها بلکه از تمام منابع تامین مالی در دسترس بانک و اقلام زیرخط ترازنامه ایجاد می‌کند. این شاخص بین یک و منفی یک در حال تغییر است. برای محاسبه شاخص خلق نقدینگی، ابتدا اقلام بالای خط و پایین خط ترازنامه را به صورت نقد، غیرنقد و نیمه نقد دسته‌بندی می‌کنیم. در مرحله بعدی وزن دهی به این بخش‌ها بر اساس نظریه خلق نقدینگی صورت گرفته است. بر اساس این نظریه، بانک‌ها هنگامی از اقلام بالای خط ترازنامه نقدینگی ایجاد می‌کنند که بتوانند دارایی‌های غیر نقد را به بدهی‌های نقد تبدیل کنند. بنابراین، وزن مثبت برای هر دو دارایی‌های غیر نقد و بدهی‌های نقد در نظر گرفته می‌شود. همچنین، نقدینگی نیز هنگامی از بین می‌رود که دارایی‌های نقد به بدهی‌های غیر نقد یا سرمایه تبدیل شوند. بنابراین، باید برای دارایی‌های نقد و بدهی‌های غیر نقد و سرمایه وزن منفی در نظر گرفته شود.

اندازه وزن‌ها بر اساس محاسبات یک به یک است. بنابراین، اگر یک ریال نقدینگی ایجاد شود حتماً بانک باید یک ریال از دارایی‌های غیر نقد خود را تبدیل به بدهی‌های نقد کند. به صورت مشابه این موضوع برای دارایی‌های نقد و بدهی‌های غیر نقد نیز برقرار است. بر این اساس وزن $1/2$ برای هر دو دارایی‌های غیر نقد و بدهی‌های نقد و وزن $-1/2$ برای دارایی‌های نقد و بدهی‌های غیر نقد به کار برده می‌شود. برای دارایی‌ها و بدهی‌های شبه نقد نیز وزن صفر در نظر گرفته می‌شود. در مرحله بعد نیز بر اساس مطالب گفته شده، شاخص

خلق نقدینگی محاسبه می شود (برگر و بوئمن، ۲۰۰۹).

پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی

میرزایی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله ای رابطه متقابل مطالبات غیر جاری بانک ها و شرایط اقتصاد کلان را با استفاده از روش خودرگرسیون برداری پانل^۱ و داده های فصلی پانل مربوط به تمام بانک های کشور و برخی از متغیرهای مهم اقتصاد کلان طی دوره ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند. متغیرها شامل نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات به عنوان شاخص کیفیت پورتفوی وام بانک ها، نرخ رشد اقتصادی، نرخ سود حقیقی تسهیلات، پایه پولی و نرخ رشد تسهیلات است. نتایج نشان داد که یک شوک مثبت به نرخ سود حقیقی تسهیلات و نرخ رشد تسهیلات، کاهش نسبت مطالبات غیر جاری بانک ها را به دنبال دارد در حالی که انتشار پول بیشتر توسط بانک مرکزی (شوک مثبت به پایه پولی) باعث کیفیت بدتر پورتفوی وام بانک ها می شود. همچنین اثر کاهشی نرخ رشد اقتصادی بر نسبت مطالبات غیر جاری به کل تسهیلات بانک ها از نظر آماری معنی دار نیست. اثر بازخوردی نسبت مطالبات غیر جاری بانک ها بر متغیرهای اقتصاد کلان به این صورت بوده است که وقتی یک شوک مثبت به این نسبت (وخامت کیفیت پورتفوی وام بانک ها) وارد می شود، رکود اقتصادی تشدید شده، پایه پولی به طور معنی داری افزایش یافته و نرخ رشد تسهیلات اعطایی بانک ها کاهش معنی داری یافته است در حالی که اثر معناداری بر نرخ سود حقیقی تسهیلات دیده نمی شود.

سید شکری و گروسی (۱۳۹۴) در مطالعه ای با موضوع «بررسی عوامل مؤثر بر افزایش مطالبه های غیر جاری در نظام بانکی کشور» برای دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۲ با استفاده از روش داده های تابلویی ضمن بررسی تأثیر برخی از عوامل درونزا و برونزای مؤثر بر نسبت مطالبه های غیر جاری، متغیرهای تولید ناخالص داخلی و تورم به عنوان متغیرهای کلان اقتصادی بر مطالبه های غیر جاری بانک ها آزمون شده است. همچنین از متغیرهای کیفیت مدیریت، اندازه بانک، خطر اخلاقی، به عنوان عوامل مختص سیستم بانکی در الگو استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین رشد تولید ناخالص داخلی با نسبت مجموع مطالبه های سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول به کل تسهیلات اعطایی بانک ها رابطه منفی معنی داری و بین نرخ تورم با نسبت مجموع مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول به کل تسهیلات اعطایی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

یحیایی (۱۳۹۳) در مطالعه «رابطه بین عوامل برون سازمانی و مطالبات معوق بانکی (مورد مطالعه بانک ملت استان سمنان)» برای بررسی عوامل برون سازمانی مؤثر بر مطالبات معوق بانکی از شش عامل نوسانات نرخ ارز، نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ رشد اقتصادی، تسهیلات تکلیفی و نسبت تجاری استفاده شد و رابطه بین متغیرهای مذکور با مطالبات معوق بانک ملت در استان سمنان در بازه زمانی پنج ساله از شهریور ۱۳۸۸ تا شهریور ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی و تحلیل رگرسیون نشان داد که بین نوسانات نرخ ارز، نرخ رشد اقتصادی، تسهیلات تکلیفی و نسبت تجاری با مطالبات معوق بانک رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ اما بین نرخ تورم و نرخ بیکاری با مطالبات معوق بانک رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. به علاوه بر اساس نتایج تحقیق، تسهیلات تکلیفی بیشترین رابطه را با مطالبات معوق بانک دارد و در رتبه‌های بعدی متغیرهای نوسانات نرخ ارز، نرخ رشد اقتصادی و نسبت تجاری قرار دارند.

ذوالنوریان (۱۳۸۹) علل و عوامل ایجاد و افزایش مطالبات معوق بانک‌ها را آسیب‌شناسی کرد. عوامل ایجاد و افزایش مطالبات معوق بانک‌ها را می‌توان به سه دسته اصلی شامل «بانک‌ها»، «بدهکاران» و «عوامل بیرونی» طبقه‌بندی کرد. در این میان نقایص موجود در عملکرد بانک‌ها در مراحل زمانی «پیش از پرداخت تسهیلات»، «در حین پرداخت تسهیلات» و «پس از پرداخت تسهیلات» موجب افزایش مطالبات معوق می‌گردد. در سوی دیگر هم بدهکارانی قرار دارند که یا به عللی توان بازپرداخت تسهیلات را از کف داده‌اند و یا علیرغم توان مالی، پرداخت اقساط را به سود خود نمی‌بینند. در نهایت علل بیرونی همچون «بحران‌های داخلی و بین‌المللی»، «قانون»، «دولت»، «دادگاه‌ها»، «اجرای ثبت»، «دفاتر اسناد رسمی» و ... بر پیچیدگی تعامل دوسویه بین بانک و بدهکار افزوده‌اند. وی اصلاح روند فعالیت‌های اعتباری بانک و تاثیرگذاری بر فعالیت‌های بدهکاران و عوامل بیرونی در راستای منافع بانک را از عوامل اصلی ایجاد مطالبات معوق بانک‌ها می‌داند.

اکرامی و رهنمااسکی (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر در مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک» که این پژوهش از طریق بررسی برخی عوامل مرتبط با مطالبات سررسید گذشته و معوق به منظور ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری از ایجاد آن انجام شده است. در این راستا رابطه نه متغیر؛ معدل موجودی شش ماهه حساب جاری، داشتن چک برگشتی، سابقه افتتاح حساب جاری، زمینه فعالیت تولیدی متقاضی، سابقه اعتباری مشتری، نوع وثیقه ارایه شده، حجم گردش بستانکار حساب جاری، مبلغ تسهیلات و نسبت مبلغ تسهیلات به معدل موجودی به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش، با وضعیت بازپرداخت تسهیلات (معوق شدن

در مقابل معوق نشدن)، به عنوان متغیر وابسته پژوهش بررسی شده است. داده های پژوهش از طریق بررسی پرونده های موجود در بانک تهیه، و با روش آماری رگرسیون لجستیک، تحلیل شده است. از مدل نهایی، میتوان نتیجه گرفت با افزایش یک واحد در متغیرهای چک برگشتی، سابقه اعتباری و نسبت مبلغ به معدل موجودی، احتمال معوق شدن تسهیلات افزایش یافته و با افزایش یک واحد در حجم گردش بستانکار حساب جاری متقاضی، احتمال معوق شدن تسهیلات کاهش می یابد.

نجف (۱۳۸۷) عوامل موثر بر ایجاد مطالبات معوق را از دیدگاه مدیران و کارشناسان بانک ملت و بدهکاران از طریق تحلیل مولفه های اصلی و با استفاده از روش چرخش متعامد واریماکس محاسبه نموده است. وی دریافت عوامل زیر بیشترین تاثیر را در افزایش مطالبات معوق داشته اند: ۱. ضعف در فرآیندهای کارشناسی اعطای وام؛ ۲. مداخلات سلیقه ای در اعطای اعتبارات؛ ۳. تاثیرپذیری نظام بانکی از تحولات سیاسی و اقتصادی کشور؛ ۴. تفاوت در میزان نرخ تسهیلات اعطایی به مشتریان؛ ۵. ضعف در فرآیند مکانیزه اعطای تسهیلات به مشتریان؛ ۶. ضعف در فرآیندهای نظارتی و کنترلی حاکم بر وصول مطالبات؛ ۷. ضعف امور قضایی در فرآیند وصول مطالبات بانکی؛ ۸. ضعف در فرآیند اخذ وثیقه و استفاده درست از آن ها.

مطالعات خارجی

مطالعات متعددی در خارج کشور انجام شده که مطالبات غیر جاری بانک ها را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار داده اند، اما اکثر آنها بر عوامل تعیین کننده این نوع مطالبات تمرکز کردند. مطالعات مربوط به عوامل تعیین کننده مطالبات غیر جاری را می توان به سه دسته تقسیم کرد: مطالعاتی که عوامل اقتصاد کلان را بررسی می کنند مثل اسکاریکا (۲۰۱۴) و بیک و همکاران (۲۰۱۵)، مطالعاتی که تنها عوامل تعیین کننده خاص بانک را مورد بررسی قرار دادند (بودریگا و همکاران (۲۰۱۰)؛ دهار و باکشی (۲۰۱۵)) و مطالعاتی که بانک و همچنین عوامل تعیین کننده اقتصادی مطالبات غیر جاری را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند (اسپینوزا و پراساد، ۲۰۱۰). کارادیمما و لوری^۱ (۲۰۲۰) در مقاله ای عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقش تعدیل کنندگی تمرکز بانکی را بر مطالبات غیر جاری مورد بررسی قرار دادند. به دنبال بحران های مالی و بدهی در منطقه یورو و تأخیر در تدوین پاسخ به یک سیاست منسجم، بانک ها با مشکلات جدی روبرو شدند که افزایش مطالبات غیر جاری به عنوان تهدیدآمیز ترین عامل است. عدم قطعیت سیاست های اقتصادی^۲ غالباً به دلیل آغاز و انتشار مطالبات غیر جاری مقصر شناخته شده است. با استفاده از مجموعه داده پانل از ۵۰۷ بانک از چهار کشور اصلی منطقه یورو (فرانسه،

1. Karadima & Louri

2. EPU

آلمان، ایتالیا و اسپانیا) در طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷، تاثیر سیاست‌های اقتصادی بر مطالبات غیرجاری مورد آزمون قرار گرفت و نتایج نشان داد که این سیاست‌ها تأثیر مثبتی بر مطالبات غیرجاری دارد، اما این تأثیر با تمرکز بالاتر بانک‌ها تعدیل می‌شود.

دنيس و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی چرخه ایجاد نقدینگی پرداختند. آن‌ها به رابطه‌ای مثبت و معناداری بین خلق نقدینگی و رشد تولید ناخالص داخلی دست یافتند و بیان کردند که این ارتباط مثبت تأثیری مفیدی بر فعالیت‌های اقتصادی دارد و می‌تواند چرخه تجارت را تقویت کند. چاترجی (۲۰۱۸) نیز به بررسی خلق نقدینگی و رکود اقتصادی پرداختند و دریافتند که خلق نقدینگی اقلام پایین ترانزنامه، قدرت پیش‌بینی قوی‌ای در افق بلندمدت برای رکود اقتصادی را ندارد. همچنین خلق نقدینگی بانک‌های بزرگتر نسبت به بانک‌های کوچکتر اطلاعات بیشتری در مورد رکودهای آینده می‌دهد.

جیانگ، لوین و لین^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر رقابت بر خلق نقدینگی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که تشدید رقابت تأثیر منفی بر خلق نقدینگی دارایی هر بانک دارد و اثر این کاهش نقدینگی در میان بانک‌های سودآورتر، کوچک‌تر و در میان بانک‌های کوچک، بزرگ‌تر است. این یافته‌ها با استفاده از روش‌های مختلف خلق نقدینگی، اندازه‌گیری‌های مختلف رقابت بازارهای بانکی، گنجاندن یا رد ویژگی‌های بانک و کنترل اثرات ثابت سالیانه و بانکی، قوی است.

محمد عمر و گانگ سان (۲۰۱۶) در مقاله‌ای به بررسی مطالبات غیرجاری و خلق نقدینگی و خطر اخلاقی در ۱۹۷ بانک چینی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۲ پرداختند. آنها بیان می‌کنند که خلق نقدینگی معیار خوبی برای ریسک‌پذیری بانک در مقایسه با رشد وام است زیرا آن نه تنها شامل اقلام بالای ترانزنامه می‌شود بلکه اقلام پرریسک زیر خط ترانزنامه را نیز در فرمول خود دارد. همچنین خلق نقدینگی معیار مناسبی است زیرا خلق نقدینگی مقدار مطلق را به جای یک رقم نسبی را به ما می‌دهد. علاوه بر این وام‌ها ممکن است بر اساس اتخاذ سیاست‌هایی که توسط دولت در نظر گرفته می‌شود سریعتر رشد کند و بعنوان نتیجه ریسک بیش از حد نمی‌باشد، اما افزایش خلق نقدینگی صرف نظر از سیاست‌های دولت، ریسک‌پذیر بودن بانک را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش آنان نشان دادند که خلق نقدینگی بانک‌های چینی کاهش یافته است و نسبت مطالبات غیرجاری پس از کاهش مداوم بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲، شروع به افزایش می‌کند. همچنین دریافتند که خلق نقدینگی بانک‌های چینی به مطالبات غیرجاری بستگی ندارد. این تجزیه و تحلیل را برای بانک‌های

1. Jiang, Levine & Lin
2. GMM

کوچک و بزرگ نیز تکرار کردند و نتایج به همان صورت قبلی یعنی عدم ارتباط خلق نقدینگی و مطالبات غیر جاری در بانک های چینی بوده است.

برگر و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان ریسک پذیری و خلق نقدینگی بانک تحت مداخلات نظارتی و پشتیبانی سرمایه به بررسی این موضوع با استفاده از یک مجموعه داده طی مدت ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ پرداختند. آن ها بیان می کنند که در زمانی که شرایط بانک نامساعد است مقامات اغلب در مداخلات نظارتی شرکت می کنند و حمایت از سرمایه را برای کاهش ریسک پذیری بانک فراهم می کنند. یک اثر ناخواسته از جمله اقداماتی که با عواقب جانبی که برای کل اقتصاد دارد ممکن است خلق نقدینگی بانک را با کاهش مواجه کند. آنان دریافتند که هر دو نوع اقدامات عموماً با کاهش آماری قابل توجهی در ریسک پذیری و خلق نقدینگی در کوتاه مدت همراه است در حالی که اثرات مداخلات نظارتی نیز از لحاظ اقتصادی قابل توجه است اما تأثیر حمایت سرمایه به طور کلی از لحاظ آماری بالا نیست. تجزیه و تحلیل در بلندمدت نشان می دهد که: (۱) تغییر در ریسک پذیری و خلق نقدینگی قبل از مداخلات نظارتی و پشتیبانی سرمایه نیست؛ (۲) بیشتر تغییرات در ریسک پذیری و خلق نقدینگی در کوتاه مدت اتفاق می افتد و در بلندمدت باقی می ماند. بنابراین هر دو نوع اقدامات، پیامدهای مهم و ناخواسته ی معنی داری برای سیاست گذاران دارند. همچنین یافته های پژوهش حاکی از آن است که مداخلات نظارتی قوی سبب کاهش ایجاد نقدینگی می شود در حالیکه حمایت از سرمایه بر ایجاد نقدینگی تأثیری ندارد.

برگر و سدانوف^۲ (۲۰۱۶) رابطه بین ایجاد نقدینگی بانک و بازده اقتصادی را بررسی کرده اند. نتایج نشان داده است که ایجاد نقدینگی سرانه به طور مثبت و قابل توجهی با تولید ناخالص داخلی سرانه مرتبط است. کانستانتاکیس و همکاران (۲۰۱۶)، در مقاله ای تحت عنوان «مطالبات غیر جاری در یک اقتصاد بحرانی: تجزیه و تحلیل تعادل بلندمدت با یک مدل تصحیح خطای برداری^۳ برای یونان در زمان (۲۰۰۱-۲۰۱۵)» به بررسی عوامل تعیین کننده مطالبات غیر جاری در بخش بانکی یونان با استفاده از مدل خود رگرسیون برداری و مدل تصحیح خطای برداری برای داده های فصلی، در مدت زمان ۲۰۱۵-۲۰۰۱، پرداخته شده است. نتایج تجربی نشان می دهد که هر دو عوامل اقتصاد کلان و مالی تأثیر قابل توجهی در مطالبات غیر جاری کشور یونان داشته است.

1. Berger et al. (a)

2. Berger and Sedunov

3. VECM

فیدرماس و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان این که آیا خلق نقدینگی بانک به رشد اقتصادی کمک می‌کند؟ شواهدی از روسیه، به بررسی رابطه بین این دو متغیر در بازار نوظهور بزرگی مثل روسیه با انجام اثرات ثابت و تخمین روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداختند. آن‌ها با پیروی از روش برگر و بوئمن (۲۰۰۹) و با استفاده از مجموعه داده‌های غنی و کامل از بانک‌های روسیه، خلق نقدینگی را اندازه‌گیری کردند. نتایج نشان می‌دهد که خلق نقدینگی بانک رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد و این اثر حتی با بروز بحران مالی از بین نرفته است. در نهایت این مطلب بیان شد که توسعه مالی تأثیر مثبتی در رشد اقتصادی روسیه دارد.

ایسلام اوغلو^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر نسبت مطالبات معوق از دادوستد عمومی در ترکیه» به مطالعه بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ بهره وام تجاری و نسبت بدهی عمومی سهام به تولید ناخالص داخلی) در تثبیت نسبت مطالبات معوق از بانک‌ها در شاخص ایکس بانک بورس استانبول هر سه ماه یکبار در طول دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۲ با استفاده از روش مدل تصحیح خطای برداری و خود رگرسیون برداری پرداخته شده است. تجزیه و تحلیل بر اساس مدل خود رگرسیون برداری است، تأثیر نرخ بهره وام تجاری و نسبت تولید ناخالص داخلی، سهام و بدهی عمومی به طور مشترک به نسبت مطالبات معوق اجرا شده است. مدل خود رگرسیون برداری تشکیل شده است که آیا این مدل دارای همبستگی، ناهمسانی و مشکل نویز سفید از طریق بررسی آزمون ضریب لاگرانژ و تست ناهمسانی است. نتایج نشان می‌دهد کاهش در نرخ بهره وام تجاری بلندمدت باعث رشد بیش از حد وام و در نتیجه، افزایش نسبت مطالبات معوق می‌شود، همچنین افزایش در نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی در بلندمدت نسبت مطالبات معوق را افزایش می‌دهد.

تونی و شهاب^۳ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل مؤثر بر مطالبات معوق: مطالعه تجربی برخی از کشورهای عربی» به بررسی عوامل اقتصاد کلان از مطالبات معوق در برخی از کشورهای عربی برای دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسی متغیرهای تورم، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، بیکاری و مخارج دولت، نشان می‌دهد که نرخ تورم و بهبود در شرایط اقتصاد کلان به عنوان رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری به عنوان درصد از تولید ناخالص داخلی و سطح پایین بیکاری نظر می‌رسد که تأثیر منفی بر روی سطح مطالبات معوق دارد. نتایج نشان می‌دهد که این اثر در کشورهای غیرنفتی منفی، اما در کشورهای نفتی مثبت باشد. در حالی که افزایش

1. Fidrmuc, Fungacova and Weill

2. Islamoglu

3. Touny & Shehab

مخارج دولت با سطح پایین مطالبات معوق در هر دو گروه کشورها در ارتباط است.

قوش^۱ (۲۰۱۵) وضعیت صنعت بانکداری و عوامل اقتصاد منطقه‌ای موثر بر وام‌های معوق در تمامی بانک‌های تجاری و موسسات پس انداز را بین ۵۰ ایالت امریکا و در ناحیه کلمبیا برای سالهای ۱۹۸۴ الی ۲۰۱۳ بررسی می‌کند. با استفاده از اثرات ثابت و تخمین‌های روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پویا به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاری بیشتر، ریسک نقدینگی، کیفیت ضعیف اعتبارسنجی، هزینه ناکارآمد بیشتر و اندازه صنعت بانکداری منجر به افزایش مطالبات معوق می‌شوند. در حالی که سودآوری بیشتر بانک‌ها، مطالبات معوق را کاهش می‌دهد. علاوه بر این تولید ناخالص داخلی بیشتر و نرخ رشد بالاتر درآمد حقیقی اشخاص و تغییرات در شاخص قیمت مسکن مطالبات معوق بانک‌ها را کاهش می‌دهد. در حالی که تورم، نرخ بیکاری، بدهی دولت امریکا معوقات را افزایش می‌دهد. آزمون‌های استرس منظم بر کیفیت وام بانک نشان می‌دهند که افزایش مطالبات معوق تحت تأثیر اقتصاد خرد و اقتصاد کلان و همچنین سرمایه بانک و کیفیت اعتبارسنجی و مدیریت موثر هزینه‌ها می‌باشد.

عبید و همکاران^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی عوامل موثر کلان اقتصادی و بانک خاص بر مطالبات معوق خانگی در تونس»، با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا برای برآورد حدود بیش از ۱۶ بانک تونس از ۲۰۱۲-۲۰۰۳ باهدف بررسی عوامل مؤثر بر مطالبات غیر جاری خانوارها است. هدف اصلی بررسی اثر بالقوه هر دو متغیر کلان اقتصادی و بانک خاص بر کیفیت وام‌ها است. نتایج نشان می‌دهد که تا چه حد می‌توان تأثیر مطالبات معوق خانوارها در سیستم بانکی را نه تنها با متغیرهای کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بهره) بلکه توسط کیفیت نامناسب مدیریتی نیز توضیح داد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ تورم و نرخ وام واقعی دارای یک اثر در سطح مطالبات معوق است. همچنین ثابت شده است که مقیاس‌های کارایی و بهره‌وری به عنوان شاخص‌های کلیدی از وام‌های بد در آینده در نظر گرفته شده است.

زنگ (۲۰۱۲) نیز در سیستم بانکی چین و با استفاده از تابع سود و بر اساس نظریه کنترل بهینه به بررسی مطالبات غیرجاری پرداخت و به این نتیجه رسید که پدیده مطالبات غیرجاری در بانک‌های دولتی به طور قابل توجهی معنی دار است. این نتیجه نشان می‌دهد که میزان مطالبات غیرجاری در چین به عوامل خرد اقتصادی بستگی دارد اما تحت تأثیر عوامل کلان اقتصادی می‌باشد. آنها پیشنهاد می‌کنند که باید تلاش‌های مدیریت داخلی بالا رود و همچنین اصلاحاتی در حقوق مالکیت، سیاست‌های رسانه‌ها و گرفتن تعهد از شرکت‌های

1. Ghosh. A

2. Abid et al.

دولتی^۱ انجام گیرد تا به سطح پایینی از مطالبات غیرجاری برسند.

هوروات و همکاران^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه و ایجاد نقدینگی با انجام آزمون علیت گرنجر و با استفاده از پانل پویا از داده‌های بانک‌های چک طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۰ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که در زمان بحران مالی شاهد افزایش در ایجاد نقدینگی هستیم که به طور عمده توسط بانک‌های بزرگ ایجاد شده است. همچنین سرمایه با رابطه‌ای منفی سبب ایجاد نقدینگی در صنعت بانکداری که بیشتر بانک‌ها کوچک هستند، می‌شود به این معنی که ایجاد نقدینگی باعث کاهش سرمایه می‌شود.

لوزیس و همکاران^۳ (۲۰۱۱) با استفاده از روش پانل دیتا، تاثیر عوامل اقتصاد کلان و عوامل مختص بانکی بر نسبت مطالبات غیرجاری در بین انواع وام (مصرفی - تجاری - مسکن) در بانک‌های یونان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که نسبت مطالبات معوق به کل تسهیلات اعطایی بانک با رشد تولید ناخالص داخلی رابطه منفی داشته و مطالبات غیرجاری وام‌های تجاری قویترین تاثیر و وام‌های مسکن کمترین تاثیر را از تولید ناخالص داخلی می‌گیرند، در حالی که نرخ بیکاری و نرخ سود واقعی و میزان تسهیلات اعطایی دارای تاثیرات مثبت بر نسبت مطالبات غیرجاری بانک‌ها می‌باشد. همچنین کیفیت مدیریت به عنوان عامل مختص بانکی دارای تاثیر منفی بر نسبت مطالبات غیرجاری می‌باشد.

سوزوکی و همکاران^۴ (۲۰۰۸) نیز در سیستم بانکی چین به بررسی نقش اجاره‌های اقتصادی در تلفیق مطالبات غیرجاری پرداختند. آنها با استفاده از مدل محدودیت‌های مالی به عنوان یک چاقوب تحلیلی به این نتیجه رسیدند که دلیل اصلی عملکرد نامناسب بانک‌ها، عدم ایجاد اجاره‌های اقتصادی کافی می‌باشد. مطالعه آنها به اهمیت یک سیستم مالی غیررسمی اشاره می‌کند و بیان می‌کنند که آنها برای رشد اقتصادی چین با اهمیت هستند زیرا آنها به شرکت‌های خصوصی قرض می‌دهند که معمولاً توسط سیستم بانکی رسمی نسبت به آن غفلت می‌شود. آنها هشدار دادند که اگر مقامات مساله مطالبات غیرجاری را در سیستم بانکی رسمی حل نکنند، این امر منجر به کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

لو و همکاران^۵ در سال ۲۰۰۷ ارتباط بین رفتار وام‌دهی بانک‌های چینی و سطح مطالبات غیرجاری را مورد بررسی قرار دادند. آنها با استفاده از مجموعه‌ای از داده‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دولتی در مقایسه با سایر شرکت‌ها، وام‌های بیشتری گرفتند. عجیب‌ترین دستاورد این تحقیق این بوده که شرکت‌های دولتی

-
1. SOEs
 2. Horvath et al.
 3. Louzis et al.
 4. Suzuki et al.
 5. Lu D et al.

که به احتمال زیاد نکول بالایی هم دارند نسبت به همتایان کم ریسک خود توانایی دریافت وام بیشتری را دارند. آنها پیشنهاد کردند که مقامات باید محدودیت های بودجه ای را روی شرکت ها و کسب و کارهای دولتی برای کنترل چرخه نادرست انباشتگی مطالبات غیرجاری قرار دهند.

در پژوهشی که گوانینگ- نینگ^۱ (۲۰۰۷) با عنوان «علل پیدایش مطالبات معوق و راهکارهای آن در بانک های تجاری چین» انجام داده، عوامل پیدایش مطالبات معوق در بانک های تجاری چین بررسی شده و راهکارهایی برای حل این مشکل بیان گردیده است. وی در این پژوهش، از روش کتابخانه ای و توصیفی استفاده کرده و عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش این مشکل را دو دسته دانسته است. در دسته اول، عواملی نظیر شرایط و عوامل خارجی غیراستاندارد به عنوان اولین عامل مؤثر در پیدایش مطالبات معوق و نهادها و بانک های با مدیریت اجرایی ضعیف مورد بررسی قرار گرفته است. در دسته دوم، ریشه های سیستمی مطالبات معوق در بانک های تجاری چین بررسی شده و عواملی همانند فرایند تصمیم گیری ناقص، سیستم نظارتی ضعیف، فرایند مدیریت اجرایی غیرمتمرکز، فرایند توزیع درآمد داخلی ناقص، فقدان سازوکار ارزیابی دقیق و نظام مدیریت منابع انسانی غیرمنعطف مورد توجه بوده است. در پژوهش مذکور راهکارهایی نظیر اصلاح فرایند اجرایی به صورت جامع، ایجاد نظام مدیریتی متمرکز، تخصص یافته و علمی، ایجاد فرهنگ اعتباری مناسب و ایجاد گروه های تخصصی بیان شده است.

سیدآ^۲ (۲۰۰۶) در مطالعات خویش ارتباط بین مطالبات معوق با عوامل اقتصادی و تجاری را در ۱۵ بانک تجاری بنگلادش مورد بررسی قرار داده است. ایشان به استناد مطالعات دال و رنجان (۲۰۰۳) به بررسی چگونگی تاثیرپذیری تسهیلات معوق از سه دسته عوامل بنیادی می پردازد: شرایط اعتبار، الویت های ناشی از ریسک اندازه بانک و شوک های اقتصاد کلان. در این مطالعه فرضیه تاثیر منفی اندازه بانک و دوره سررسید وام ها در نسبت مطالبات غیرجاری بانک به اثبات رسید.

روش تحقیق

برای برآورد مدل مان از داده های پانل پویا (روش گشتاورهای تعمیم یافته) برای تعدادی از بانک های ایران (۱۴ بانک) که اطلاعات آن ها در دسترس بوده است استفاده شده است. روش تخمین گشتاورهای تعمیم یافته به سرعت به عنوان یکی از پرکاربردترین تکنیک های اقتصادسنجی، هم در برآورد مقطعی و هم در برآورد داده های پانل مورد استفاده قرار گرفت، زیرا بسیار انعطاف پذیر بوده و تنها به فروض ضعیفی نیاز دارد.

1. GUO Ning-ning
2. Syeda

به کارگیری این تخمین زنده به‌ویژه هنگامی که الگو بیش از حد شناسا باشد، بسیار مفید است. در این الگو وقفه متغیر وابسته به صورت مستقل در سمت راست معادله ظاهر می‌شود. به این ترتیب، امکان پارامتر بندی مجدد مدل به روش داده‌های تلفیقی پویا به وجود می‌آید و کشش‌های کوتاه مدت امکان پذیر می‌گردد. تکنیک تخمین در روش گشتاورهای تعمیم یافته بسطی از تکنیک گشتاوری است که به مدل‌های دیگری فراتر از رگرسیون خطی تعمیم یافته است. روش گشتاورها یک تکنیک تخمین است که بیان می‌دارد پارامترهای مجهول باید به وسیله تطبیق گشتاورهای جامعه (که توابعی از پارامترهای مجهول هستند) با گشتاورهای نمونه‌ای مناسب تخمین زده شوند.

به طور کلی روش گشتاورهای تعمیم یافته نسبت به سایر روش‌ها دارای مزایایی چون حل مشکل درون‌زا بودن متغیرهای توضیحی، کاهش یا رفع هم خطی در مدل، حذف متغیرهای ثابت در طی زمان و امکان افزایش بعد زمانی متغیرها و مناسب برای پانل‌های کوتاه است. همچنین روش گشتاورهای تعمیم یافته در پانل دیتای پویا هنگامی به کار می‌رود که تعداد برش‌های مقطعی بیشتر از تعداد زمان و سال‌ها باشد ($N > T$). در این پژوهش نیز تعداد بانک‌ها بیشتر از تعداد زمان است.

همان‌طور که قبلاً بیان شده است هدف اصلی مقاله بررسی رابطه میان مطالبات غیرجاری و خلق نقدینگی در بانک‌ها می‌باشد. در این پژوهش جهت بررسی تاثیر وام‌های سررسید گذشته بر ایجاد نقدینگی بانک از یک مدل اقتصادسنجی برای تجزیه و تحلیل نقدینگی به پیروی از محمد عمر و گانگ سان (۲۰۱۶) استفاده می‌شود، برای این منظور از مدل زیر استفاده شده است:

$$LCA_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 (LCA)_{i,t-1} + \beta_2 (NPLs)_{i,t} + \beta_3 (EA)_{i,t} + \beta_4 (Z\text{-score})_{i,t} + \beta_5 (ROE)_{i,t} + \beta_6 (Size)_{i,t} + \beta_7 (GDP\ growth)_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن $i = 1, 2, \dots, N$ تعداد بانک و $t = 1, \dots, T$ زمان، خلق نقدینگی^۱ به عنوان متغیر وابسته و مطالبات غیرجاری^۲ متغیر مستقل پژوهش می‌باشد.

جدول ۱. معرفی متغیرها

کد متغیر	شرح مختصر
LCA	این متغیر نسبت خلق نقدینگی به دارایی است. بر اساس مطالعه برگر و بوئمن (۲۰۰۹) شاخص خلق نقدینگی ^۱ محاسبه شده است. طبق این شاخص اقلام ترازنامه به اقلام بالای خط و پایین خط و به صورت نقد، نیمه نقد و غیر نقد تقسیم می شود و بر اساس همین نظریه وزن دهی به این بخش ها صورت می گیرد.
NPLs	این متغیر معرف مطالبات غیرجاری بانک ها می باشد. برای اندازه گیری مطالبات غیرجاری چندین روش موجود است؛ از جمله آنها استفاده از شاخص نسبت تسهیلات غیر جاری که به صورت نسبت مجموع تسهیلات سررسید گذشته و معوق و مشکوک الوصول به کل تسهیلات تعریف می شود.
Equity Ratio (EA)	از کل حقوق صاحبان سهام تقسیم بر کل دارایی ها به دست می آید.
Z-score	به پیروی از لیون و لوین (۲۰۰۹) نمره Z از تقسیم مجموع بازده دارایی ها و نسبت حقوق صاحبان سهام بر انحراف معیار بازده دارایی ها به دست می آید. این نسبت فاصله نکول بانک را اندازه گیری می کند.
ROE	بازده حقوق صاحبان سهام از تقسیم سود قبل از کسر مالیات بر کل حقوق صاحبان سهام محاسبه شده است.
SIZE	اندازه بانک به صورت لگاریتم طبیعی دارایی ها اندازه گیری می شود.
GDP gr	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به صورت تفاضل نرخ سال جاری و سال گذشته به نرخ سال گذشته محاسبه می شود.

ماخذ: نرخ رشد اقتصادی از بانک جهانی و سایر متغیرها با توجه به ترازنامه و گزارشات منتشره از سوی بانک ها محاسبه شده اند.

یافته های تحقیق

همان طور که قبلا بیان شده است، دلایلی وجود دارد که بر اساس آن انتظار می رود حاکمیت شرکتی در ایجاد نقدینگی بانک ها مؤثر باشد. بنابراین در این تحقیق پس از تعدیل برای بانک هایی که شرایط لازم را نداشته اند، از داده های ۱۴ بانک^۱ طی سال های ۱۳۸۹-۹۷ تأثیر مطالبات غیرجاری بر خلق نقدینگی بانک ها در ایران مورد آزمون قرار گرفته است. آمار توصیفی متغیرها و نیز نتایج مدل در جداول ۲ و ۳ ارائه گردیده است:

۱. بانک های ملت، صادرات، تجارت، پاسارگاد، پارسیان، اقتصادنویین، کارآفرین، سینا، سرمایه، پست بانک، سامان، شهر، رفاه کارگران و انصار.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینم
نسبت خلق نقدینگی به دارایی	-۰,۴۳۹۳۵۴	-۰,۴۵۱۸۶۸	-۰,۰۴۸۳۶۷	-۱,۷۳۱۸۹۹
مطالبات غیر جاری	۰,۰۹۰۰۵۳	۰,۰۶۴۶۸۰	۰,۶۲۴۷۹۲	۰,۰۰۰۰۰۰
نسبت سرمایه	۰,۰۶۶۴۵۶	۰,۰۶۲۷۷۲	۰,۱۸۵۸۰۹	-۰,۲۹۴۹۷۸
اندازه بانک	۱۲,۳۳۲۷۹	۱۲,۳۱۶۲۷	۱۵,۳۰۷۱۲	۹,۴۹۶۶۴۶
بازده حقوق صاحبان سهام	۰,۱۹۶۱۸۸	۰,۱۷۵۳۷۶	۳,۶۰۴۸۶۶	-۱,۸۹۱۶۲۵
Z-score	۹,۱۸۵۶۲۳	۸,۵۸۳۱۲۹	۴۵,۳۸۶۲۳	-۵,۱۵۷۵۲۱
نرخ رشد اقتصادی	۰,۰۲۲۲۲۲	۰,۰۲۶۰۰۰	۰,۱۳۴۰۰۰	-۰,۰۷۴۰۰۰

ماخذ: محاسبات تحقیق

برازش مدل

مدل از طریق روش تخمینی گشتاورهای تعمیم یافته برازش شده است. برای استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته می‌بایست ابزاری در اختیار این روش قرار گیرد که دارای کمترین همبستگی با جزء اخلاص و متغیر مستقل مدل داشته باشد و همچنین دارای بیشترین همبستگی با متغیر وابسته باشد. به همین منظور ابزارهای $LCA (-2)$ و $NPL(-3)$ ، یعنی وقفه‌ی دوم متغیر وابسته و وقفه سوم متغیر مستقل که مطالبات غیر جاری یا همان وام‌های سررسید گذشته می‌باشد را به عنوان روش تخمین گشتاورهای تعمیم یافته انتخاب نموده‌ایم که نتایج حاصل از برازش نهایی مدل در جدول ۳ ارائه می‌گردد:

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد مدل

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
نسبت خلق نقدینگی به دارایی با یک وقفه ((LCA (-1))	۰.۳۵۱۱۷۰	۰.۰۵۰۱۹۲	۶.۹۹۶۵۷۶	۰.۰۰۰۰
مطالبات غیرجاری (NPL)	۳.۳۰۱۲۶۹	۰.۸۰۵۴۸۷	۴.۰۹۸۴۷۴	۰.۰۰۰۰۱
نسبت حقوق صاحبان سهام (EA)	۵.۲۴۷۴۰۰	۱.۰۶۹۶۷۷	۴.۹۰۵۵۹۳	۰.۰۰۰۰
اندازه بانک (Size)	۰.۰۸۲۵۳۰	۰.۰۲۸۲۵۹	۲.۹۲۰۴۹۱	۰.۰۰۴۵
ROE	-۰.۰۲۲۵۳۸	۰.۰۵۴۸۵۳	-۰.۴۱۰۸۷۸	۰.۶۸۲۲
gr GDP	۰.۲۴۵۸۲۸	۰.۲۳۲۴۴۲	۱.۰۵۷۵۹۰	۰.۲۹۳۲
Z-SCORE	-۰.۰۱۶۴۳۰	۰.۰۰۶۲۸۹	-۲.۶۱۲۳۲۳	۰.۰۱۰۶
J-statistic	۹.۶۰۳۵۴۷			
سطح معنی داری آماره J	۰.۲۱۲۱۷۵			

ماخذ: محاسبات تحقیق

همان طور که در جدول مشاهده می شود، سطح معنی داری آماره J بزرگ تر از ۵ درصد بوده، بنابراین عدم رد فرضیه صفر در این آزمون شواهدی دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می کند. در نتیجه با استناد بر این آماره در روش گشتاورهای تعمیم یافته می توان گفت ابزار مناسبی برای برازش مدل استفاده شده و به طور کلی مدل از لحاظ آماری معنی دار می باشد.

نتایج به دست آمده در جدول ۳ نشان می دهد که نسبت خلق نقدینگی به دارایی^۱، رابطه مثبت و معنی داری با وقفه خودش دارد. به این معنا که خلق نقدینگی در دوره قبل، خلق نقدینگی سال آینده را افزایش می دهد. مطالبات غیرجاری با ارزش احتمال ۰.۰۰۰۰۱ و آماره t به مقدار ۴.۰۹۸۴۷۴ در بانک های مورد مطالعه رابطه مثبت و معنی داری با نسبت خلق نقدینگی دارد و این بدان معناست که فرض صفر فوق (مبنی بر برابر بودن ضریب این متغیر با صفر) در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و تأثیر متغیر مطالبات غیرجاری بر متغیر وابسته، معنادار بوده است. به بیان دیگر هرچه میزان مطالبات غیرجاری (وام های سررسید گذشته) بیشتر شود، خلق نقدینگی نیز افزایش می یابد. براساس مطالعات برنانک و گرتلر (۱۹۸۹) افزایش در مطالبات غیرجاری بر وام های بانکی تأثیر می گذارد. از طرفی بانک های احتیاطی زمانی که مطالبات غیرجاری آن ها بالا باشد، وام دهی خود را

کاهش می‌دهند و بانک‌هایی که دارای مسئله خطر اخلاقی یا وام‌دهی بر اساس رابطه و ساز و کارهای خاصی هستند در صورت وجود مطالبات غیرجاری بالاتر؛ تمایل دارند وام‌دهی را افزایش دهند. نتیجه این پژوهش با نتیجه عمر و کانگ سان (۲۰۱۷) که دریافتند خلق نقدینگی توسط بانک‌های چینی به میزان مطالبات غیرجاری بستگی ندارد، همسو نمی‌باشد.

از میان متغیرهای کنترلی، نسبت حقوق صاحبان سهام و اندازه بانک، رابطه مثبت و معنی‌داری با نسبت خلق نقدینگی بانک داشته‌اند. بنابراین افزایش سطح سرمایه بانک‌ها، خلق نقدینگی بانک را افزایش می‌دهد. این یافته در راستای فرضیه جذب ریسک که برگر و باومن در سال ۲۰۰۹ مطرح کرده‌اند می‌باشد. بر اساس فرضیه جذب ریسک، ارتباط بین سرمایه و خلق نقدینگی مثبت است، به این صورت که نسبت‌های سرمایه بالاتر به بهتر شدن موقعیت بانک‌ها برای جذب ریسک و در نتیجه ایجاد کردن نقدینگی بیشتر کمک می‌کند. این نتیجه همسو با یافته دیاز و یانگ (۲۰۱۷) می‌باشد که به رابطه ای مستقیم بین نسبت حقوق صاحبان سهام و خلق نقدینگی بانک دست یافتند.

همچنین هرچه اندازه بانک بزرگ‌تر باشد، نقدینگی بیشتری ایجاد می‌شود. برگر و باومن (۲۰۰۹) با توجه به دارایی بانک‌ها آن‌ها را به سه دسته بزرگ، متوسط و کوچک تقسیم کردند و دریافتند که اندازه بانک و خلق نقدینگی به یکدیگر مرتبط است و سهم بانک‌های بزرگ در خلق نقدینگی بالاتر از دیگر بانک‌ها می‌باشد. برای کنترل ریسک بانک از نمره Z^1 استفاده شده است که از شاخص‌های ثبات مالی می‌باشد که عکس ریسک اعتباری است و فاصله نکول بانک را اندازه‌گیری می‌کند. هر چه این شاخص بالاتر باشد نشان‌دهنده آن است که بانک‌های باثبات‌تر بافاصله‌ی نکول بیشتر، و همین‌طور دارای سودآوری بیشتر و ریسک اعتباری کمتری هستند. در پژوهش مان رابطه این متغیر با خلق نقدینگی به صورت غیرمستقیم می‌باشد، یعنی هرچه نمره Z بالاتر باشد، ایجاد نقدینگی بانک کاهش می‌یابد. بازده حقوق صاحبان سهام^۲ و نرخ رشد اقتصادی در این پژوهش ارتباط معناداری با خلق نقدینگی بانک ندارد.

1. Z-score
2. ROE

نتیجه گیری و پیشنهادات

در این پژوهش به بررسی تأثیر مطالبات غیر جاری بر خلق نقدینگی بانک ها پرداخته شده است. با توجه به نتایج بدست آمده، بین مطالبات غیر جاری و خلق نقدینگی رابطه معنی داری وجود دارد. برای بررسی این مسئله از داده های ترکیبی متشکل از ۱۴ بانک و در دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ به صورت سالانه استفاده شده است. روش مورد استفاده به منظور برآزش خط رگرسیونی، روش گشتاورهای تعمیم یافته می باشد. با توجه به نتایج بدست آمده، بین خلق نقدینگی و مطالبات غیر جاری در صنعت بانکداری ایران رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. به این صورت که اگر مطالبات غیر جاری افزایش یابد، خلق نقدینگی بانک افزایش خواهد یافت و برعکس.

با توجه به نتایج مطالعه لو و همکاران (۲۰۰۷) شرکت های دولتی در مقایسه با سایر شرکت ها، وام های بیشتری دریافت کرده اند. آنها بیان نمودند شرکت های دولتی که میزان نکول آن ها نیز بیشتر از سایرین است، نسبت به همتایان کم ریسک خود توانایی دریافت وام بیشتری دارند. بنابراین پیشنهادشان این است که مدیران می بایست محدودیت های بودجه ای را روی شرکت های دولتی برای کنترل چرخه نادرست انباشتگی مطالبات غیر جاری قرار دهند. همچنین براساس مطالعات برنانک و گرتلر (۱۹۸۹) افزایش مطالبات غیر جاری بر وام های بانکی تأثیرگذار است. از طرفی بانک های احتیاطی زمانی که مطالبات غیر جاری آن ها بالا باشد، وام دهی خود را کاهش می دهند و بانک هایی که دارای مسئله خطر اخلاقی یا وام دهی بر اساس رابطه و ساز و کارهای خاصی هستند، در صورت وجود مطالبات غیر جاری بالاتر؛ تمایل دارند وام دهی را افزایش دهند.

در واقع می توانیم نتیجه بگیریم که اگر خلق نقدینگی در پاسخ به افزایش بالاتر مطالبات غیر جاری، افزایش یابد؛ در بانک ها نیز خطر اخلاقی وجود دارد. بنابراین سیاست گذاران، ناظران و مجریان نظام بانکی باید توجه لازم و کافی را در جهت کاهش مطالبات غیر جاری داشته باشند. توصیه ها و راهکارهایی نیز در جهت کاهش مطالبات غیر جاری ارائه می گردد.

با توجه به اینکه در دوران رونق، فعالان اقتصادی به راحتی قادر به بازپرداخت تسهیلات خود هستند، اما تغییر کوچک در ریسک های اعتباری می تواند این تأثیر را از بین ببرد پس در این دوران، بهتر است که به مدیریت ریسک اعتباری توجه بیشتری شود؛ افزایش قدرت ارزیابی اعتبار در بانک ها به منظور کاهش ریسک اعتباری و همینطور افزایش اطلاعات بانک ها از متقاضیان تسهیلات برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی که بین بانک و تسهیلات گیرندگان وجود دارد؛ توجه دقیق به صورت های مالی مشتریان هنگام اعطای

تسهیلات و حصول اطمینان معقول از برگشت به موقع سرمایه و تناسب درآمد مشتری با مبلغ تسهیلات؛ اخذ وثایق معتبر و تضمین‌های لازم و کافی و شناسایی دارایی‌های مشتریان قبل از اعطای تسهیلات؛ ایجاد سیستم مکانیزه بر اساس مستندات واقعی مشتری در اعطای تسهیلات به منظور جلوگیری از دخالت گروه‌های ذی‌نفع؛ پیشنهاد می‌شود در سطح خرد، بانک‌ها در ارزیابی فنی و اقتصادی پروژه‌ها برای اعطای تسهیلات، روند متغیرهای کلان اقتصادی را مدنظر قرار دهند. تا بر اساس پیش‌بینی‌های مربوطه نحوه اعطای تسهیلات به گونه‌ای صورت گیرد که اصل منابع و سود موردانتظار تسهیلات قابل بازگشت باشد؛ به لحاظ اجرایی توصیه می‌شود سیاست‌گذاران اقتصاد کلان ابتدا مطالبات غیرجاری دوره‌های گذشته را به گونه‌ای تسویه کنند تا تأثیر آن بر مطالبات غیرجاری سال‌های بعد به حداقل ممکن برسد، سپس به دنبال اعطای تسهیلات جدید باشند.

منابع و مأخذ

۱. اداره مطالعات و مقررات بانکی. (۱۳۸۵). دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های مؤسسات اعتباری، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲. آقای، مجید، و رضاقلی‌زاده، مهدیه. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر حجم مطالبات معوق و سررسید شده شعب منتخب بانک سپه»، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، دوره ۲، صص ۹۵-۱۱۱.
۳. اکرامی، محمود؛ رهنما اسکی، آزاده. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر در مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک. پژوهشنامه اقتصادی، ویژه‌نامه بانک، ۶، صص ۲۱۶-۱۹۵.
۴. حسن‌زاده، علی، و حبیبی، پیمان. (۱۳۸۹). کالبد شکافی مطالبات معوق و راه‌های پیشگیری آن در سیستم بانکی کشور. تازه‌های اقتصاد، ۱۳۰، صص ۱۰۴-۹۸.
۵. دارمین، جین، و بیسادا، یوسف ف. (۱۳۸۵). مدیریت دارایی و بدهی، راهنمایی برای خلق ارزش و کنترل ریسک. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۶. ذوالنوریان، مهدی. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی علل و عوامل ایجاد و افزایش مطالبات معوق بانک‌ها. بانک و اقتصاد، ۱۲۲، صص ۵۳-۵۰.
۷. سید شگری، خشایار، و گروسی، سمیه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش مطالبه‌های غیرجاری در نظام بانکی کشور. فصلنامه علوم اقتصادی، ۹(۳۱)، صص ۱۱۸-۹۵.

۸. میرزایی، اسماعیل، محمدی، تیمور، و شاکری، عباس. (۱۳۹۵). رابطه متقابل مطالبات غیر جاری بانک ها و شرایط اقتصاد کلان: یک رویکرد خودرگرسیون برداری پانل. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۶۰، صص ۱۸۳-۲۲۰.
۹. نجف، مرتضی. (۱۳۸۷). شناسایی عوامل موثر بر ایجاد مطالبات معوق از دیدگاه مدیران و کارشناسان بانک ملت منطقه ۵ شهر تهران و مقایسه آن با دیدگاه بدهکاران. پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
۱۰. نضافت، منا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل افزایش مطالبات معوق بانک های منتخب (۱۳۸۷-۱۳۹۳). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته MBA گرایش مالی، دانشگاه علوم اقتصادی.
۱۱. نیلی، فرهاد، شاهچرا، مهشید، و طاهری، ماندانا. (۱۳۹۴). بررسی تعیین خلق نقدینگی و نقش واسطه گری مالی بانک ها در ایران. فصلنامه روند. ۷۰، صص ۵۰-۱۳.
۱۲. یحیائی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین عوامل برون سازمانی و مطالبات معوق بانکی (مورد مطالعه: بانک ملت استان سمنان). سومین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، مرکز همایش های دانشگاه تهران.

منابع لاتین

1. Ahmed, Zabeen, Syeda (2006). An Investigation of The Relationship Between Non-Performing Loans, Macroeconomic Factors, and Financial Factors in Context of Private Commercial Banks in Bangladesh. An Internship Report Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Bachelor of Business Administration Independent University, Bangladesh.
2. Berger, A.N., & Bouwman, C.H.S., (2009). Bank liquidity creation. *Rev. Financ. Stud.* 22, 3779-3837.
3. Bhattacharya, S., & Thakor, A.V., (1993). Contemporary banking theory. *J. Financial Intermed.* 3, 2-50.
4. Boyd, J.H., & Prescott, E., (1986). Financial intermediary-coalitions. *J. Econom. Theory.* 38 (2), 211-232.

5. Bryant, J., (1980). A model of reserves, bank runs, and deposit insurance. *J. Bank. Finance*. 4 (4), 335–344. doi:10.1016/0378-4266(80)90012-6
6. Deep, A., & Schaefer, G. (2004). Are Banks Liquidity Transformers?. KSG Faculty research Working Paper, Harvard -University.
7. Diamond, D.W., & Philip H. Dybvig, (1983). Bank runs, deposit insurance, and liquidity. *Journal of Political Economy*. 91(3), 401-419.
8. Diamond, D.W., (1984). Financial intermediation and delegated monitoring. *Rev. Econ. Stud.* LI, 393–414.
9. Ghosh A., (2015). Bankin-industry specific and regional economic determinants of non-performing loans: evidence from US states. *Journal of Financial Stability*, 20, 93–104.
10. Godfrey M., (2015). Liquidity and Bank performance. *International journal of economics and business Research*, 14(3), 453-462.
11. Greenbaum, S., & Thakor, A., (2007). Contemporary Financial Intermediation. Academic Press of Elsevier.
12. GUO Ning-ning, (2007). Causes and solutions of non-performing loan in Chinese commercial banks. *Chinese Business Review*, 6(6), 13-19.
13. Islamoglu, M. (2015). The Effect of Macroeconomic Variables on Non-performing Loan Ratio of Publicly Traded Banks in Turkey. *WSEAS Transactions on Business and Economics*, 12, 9-20.
14. Jiang, L., Levine, R., & Lin, Ch., (2017). Competition and Bank Liquidity Creation. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2761879> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2761879>
15. Touny, M. A., & Shehab, M. A. (2015). Macroeconomic Determinants of Non-Performing Loans: An Empirical Study of Some Arab Countries. *American Journal of Economics and Business Administration*, 7(1), 11-22.

16. Umar, M., & Sun, G., (2016). Non-performing loans (NPLs), liquidity creation, and moral hazard: case of Chinese. *Finance and Economic Review*. 4(10), 1-23.
17. Zeng S., (2012). Bank non-performing loans (NPLs): a dynamic model and analysis in China. *Modern Economy*, 3,100–110.